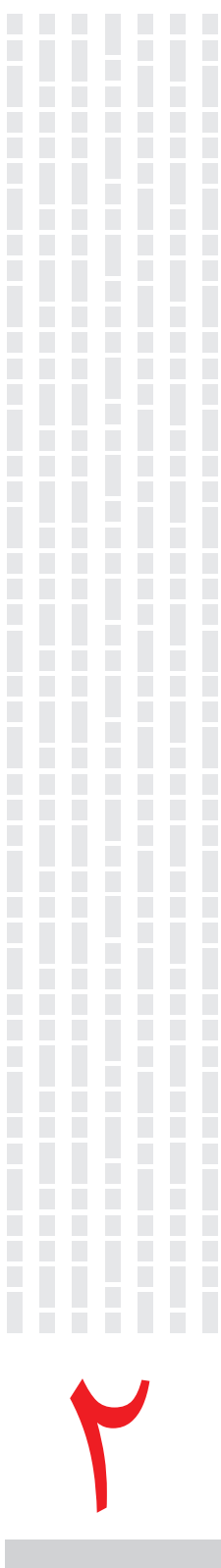


سه‌شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۳

شماره ۴۱۹۵

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE



چه فرآیندهایی ممکن است به وعده پزشکیان آسیب بزند؟

بازی پدرخوانده‌ها و ایده دولت وفاق ملی



علی مژوهی خبرنگار گروه نقد روز

یکی از مهم‌ترین نکات مثبت ادبیات مسعود پزشکیان در تبلیغات انتخاباتی و همچنین در ایامی که نامش به‌عنوان فرد پیروز از صندوق بیرون آمد، تاکید او بر همدلی و پرهیز از اختلافات است. پزشکیان در روز تنفیذ نیز همین رویکرد را ادامه داد و در صحبت‌های خود در مراسم تنفیذ نیز انسجام، همگرایی و قانون‌گرایی را لازمه عبور از بحران‌ها دانست و از اتحاد مردم، نخبگان و مسئولان خواست تا برای «اجرای سیاست همگرایی تشکیل دولت وفاق ملی» او را کمک کنند. ادبیات مثبت پزشکیان اما زمانی اثر خود را بهتر نشان می‌دهد که در عرصه عمل نیز بروز پیدا کند. چالش‌های فضای اجرایی و سیاسی به قدری پیچیدگی دارد که می‌تواند در افراد و گروه‌های سیاسی انگیزه دامن زدن به اختلاف و شکاف را ایجاد کند. به وجود آمدن اختلاف نظر بر سر رفع چالش‌های کشور امری بدیهی است اما زمانی که این اختلافات به جای نگاه کارشناسی مبتنی بر نگاه جناحی و سیاسی باشد چالش‌های زیادی برای تحقق شعار وفاق ملی پزشکیان به وجود می‌آید. لذا پزشکیان علاوه‌بر تاکید بر همدلی باید موانع تحقق آن را نیز مهار کند.

■ وفاق ملی ادبیات عمومی اطرافیان رئیس‌جمهور هم باشد

وفاق ملی زمانی محقق می‌شود که خود رئیس‌جمهور و بدنه اطرافانش اولین گام را برداشته و از طرح و پیگیری موضوعات خلاف منافع ملی کشور اجتناب کنند.
نهمین رئیس‌جمهور ایران با تاکید چندین‌باره بر این گزاره و اعلام اینکه در تشکیل دولت رویکرد غیرجناحی را محور قرار خواهد داد، نشان داده عمیقا به این گزاره معتقد است. اما این اعتقاد به تنهایی کافی نیست و رئیس‌جمهور باید بتواند نزدیکان سیاسی خود را نیز نسبت به این موضوع آشناع کرده و ادبیات وفاق ملی را در دولت خودش عمومی کند. در این راستا جلوگیری از طرح اظهارات یا بروز اقداماتی که رفتار جناحی معنی می‌شوند، ضروری است.

■ جلوگیری از نفوذ پدرخوانده‌ها

یکی از مواردی که می‌تواند پزشکیان را در اجرای رویکرد فراجناحی با شکست مواجه سازد اعمال فشار از جانب پدرخوانده‌های سیاسی برای تاثیر بر روند تعیین کابینه و تحمیل چهره‌های نزدیک به خود، به رئیس‌جمهور است. این مواجهه با کابینه پزشکیان علاوه‌بر اینکه تصویر شبه‌دموکراتیک تعیین اعضای کابینه از طریق شورای راهبردی را مخدوش کرده به وجهه مستقل رئیس‌جمهور نیز آسیب می‌زند. رفتار پدرخوانده‌ها باعث می‌شود چهره‌های غیرمتخصص و صرفا دارای هویت سیاسی نزدیک به آنها بر مسندهای اجرایی نشسته و چهره‌های غیرحزبی و مورد اجماعی که در گفتمان رقیبان انتخاباتی حضور نداشته و صرفا اصلاح‌طلب نشانه‌دار محسوب نمی‌شوند، کنار زده شوند. رئیس‌جمهور باید ضمن شنیدن نظرات همه چهره‌های واجد تجربه سیاسی و اجرایی در برابر مطالبات غیر ملی و جناحی آنها هوشمندی به خرج داده تا مانع از گروگان گرفته شدن آینده کشور در چهارچوب محدود جناح‌گرایی شود.

■ سهم‌خواهان مهار شوند

گروه دیگری که رفتارشان باعث تخریب رویکرد همدلی شده و گروه‌های

رقیب را نیز برای همراهی با این شعار بی‌رقبت می‌کند، سهم‌خواهان هستند. از نظر این گروه ترکیب دولت زمانی کارآمد محسوب می‌شود که اطرافیان آنها در آن گنجانده شوند و اگر این اتفاق به قدری که رضایت آنها را جلب کند، رخ نهد حتی گروه‌های سیاسی هم جناح با خود را نیز برنمایند و به تخریب آن می‌پردازند. در مدتی که از انتشار خبر تشکیل شورای راهبردی می‌گذرد معدود روزهایی پیدا می‌شود که گروه‌های مختلف اصلاح‌طلبان و نیز اعضای اصلی شورا نسبت به سهم‌خواهی‌های برخی چهره‌ها و گروه‌ها معترض نشده باشند. این مواضع می‌تواند دو هدف داشته باشد، هدف صادقانه اعتراض به سهم‌خواهی‌های موجود بوده و رئیس‌جمهور نیز باید با شنیدن انتقادهای این این افراد گروه‌های سهم‌خواه و انحصارطلب را مهار کند و هدف دیگر نیز می‌تواند استفاده ابزاری برای سهم‌خواهی باشد یعنی مسکن است برخی با اعتراض به سهم‌خواهی سایرین به دنبال گشودن مسیری برای افزایش سهم خود از سبد کابینه باشند که در این صورت رئیس‌جمهور باید با پاسخ‌های علنی به این گروه مانع از تخریب وجهه شورای انتقالی قدرت شود.

■ رفتارهای سیاسی پرشائبه

در بحوزه تعیین شورای راهبردی انتقال قدرت آذر منصوری، رئیس‌جبهه اصلاحات در صفحه شخصی خود در ایکس، دخالت در انتخاب اعضای کابینه را رد کرده و می‌نویسد: «جبهه اصلاحات ایران بنای دخالت در تصمیم‌گیری دکتر پزشکیان زانداشته و نخواهد داشت.» اگرچه چنین اظهاراتی همان زمان توسط شخصیت‌های مختلف حاضر در شورا رد شده

و شفیعیان از چهره‌های نزدیک به پزشکیان نیز در توییت پاسخ می‌دهد که جبهه اصلاحات در همه کمیته‌های پنجگانه عضو دارد اما ادعاهای آذر منصوری اکنون توسط خود او زیر سوال رفته است. درصوتی‌که اخیرا از یک جلسه حزبی جبهه اصلاحات در توییت دست به دست می‌شود، او به مطالبات یکی از حاضران که خواهان قرارگیری برخی اسامی خاص در شورای راهبردی و دولت است، پاسخ می‌دهد: «ما یک جلسه‌ای با آقای خاتمی داشتیم و آنجا این دغدغه‌ها را مطرح کردیم، چون آقای خاتمی هم وقت گرفته بودند با آقای پزشکیان صحبت کنند از ایشان خواستیم این نگرانی‌ها را عینا منتقل کنند. طبق اخباری که دادم ایشان منتقل کردند، جایگاه جبهه اصلاحات را به آقای پزشکیان یادآور شدند و ایشان هم تایید کردند جبهه اصلاحات در روی کار آمدن آقای پزشکیان پای کار بوده و باید پاسخگویی افکار عمومی باشد.»

■ نابودی کشور در میدان سیاسی بازی

آنچه بیش از هر چیزی به منافع ملی ضربه می‌زند دعواهای سیاسی سهم‌خواهانه است. اگر رئیس‌جمهور تحت فشار گروه‌های سیاسی قرار بگیرد به ناچار بخشی از زمان و ذهن خود را به جای رفع چالش‌های کشور باید صرف رفع دعواهای جناحی کند. رفتارهای سهم‌خواهانه می‌تواند پاشنه آشیل دولتی قرار گیرد که شعار اصلی خود را همدلی و وفاق ملی قرار داده است. این رفتارها اگر به نتیجه برسد چهره‌های غیرمتخصص و صرفا سیاسی را بر راس امور قرار می‌دهد و اگر به نتیجه نرسد نیز به قدر خود در افکار عمومی نسبت به دولت بی‌اعتمادی ایجاد می‌کند و سرمایه اجتماعی

کابینه خواهد کرد، رضایت جناح راست و اصولگرا را هم در بر می‌گیرد؟ یعنی مثل روحانی می‌شود که جناح اصولگرا را به‌عنوان دولت قیول نمی‌کند. شمای زمانی می‌توانید بگویید این دولت، دولت وفاق است که هم اصولگرا هم اصلاح‌طلب این را بپذیرند. ضمن اینکه دولت وفاق برای زمان‌هایی است که یک آشوب و ناامنی اتفاق افتاده باشد. ما الان در این وضعیت نیستیم. انتخابات ما در سالی که شرایط خاصی هم وجود داشت در امنیت و آرامش و سلامت برگزار شد و معنی دولتی که بعد از بی‌دولتی و آشوب سر کار آمده باشد را نمی‌دهد. یعنی ما از یک جنگ داخلی بیرون نیامده‌ایم که الان دولت وفاق و آشتی و امثالهم بخواهد معنی بدهد. از نظر من دولت وفاق در جمع‌بندی چند ماند دارد: ۱. من نمی‌دانم با پروژه اجماع پزشکیان سنخیت دارد که واقعا می‌تواند طیف‌های مختلف را کنار هم قرار دهد؟ ۲. آیا جناح اصولگران را می‌پذیرد؟ ۳. شرایط کشور به‌گونه‌ای نیست که دولت وفاق به آن معنا مورد نیاز باشد. ضمن اینکه تعریف مان از دولت وفاق تعریف روشنی نیست. کمال‌اینکه پزشکیان هیچ وقت نگفته من اصلاح‌طلب هستم. یعنی درست است به نیروهای اصلاح‌طلب گرایش دارد و معاون اولش معاون اول دوره اصلاحات است و بیشتر به سمت جناح چپ گرایش دارد اما ایشان تعریف روشنی نکرده و طبیعتا درباره دولت وفاقی که می‌گوید، تعریف روشنی وجود ندارد. از نظر من دولت پزشکیان یک دولت چپ معتدل است. یعنی اگر دولت اول خاتمی دولت اصلاح‌طلب و چپ رادیکال بود و دولت دومش کمی میانه‌تر شد، به نظر من دولت پزشکیان ادامه دولت دوم خاتمی است. دولت دوم خاتمی مقداری معتدل‌تر بود و چهره‌های سیاسی‌تر تندتر از آن کنار رفتند. پس با دولت پزشکیان به‌عنوان دولت چپ معتدل میانه‌باید مواجه شوم. حالا این دولت چپ میانه طبیعتا در انتخاب وزرا و اعضای کابینه و سیاست‌ها می‌تواند تنش ایجاد کند. وفاق شاید اینجا معنا دهد. بگوییم در دوقطبی نمی‌سازم و دعوارست نمی‌کنم طرف مقابلم را دشمن نمی‌دانم و با هم کار می‌کنیم و مساله ما کارآمدی و اقتصاد و اداره کشور است. با این تعریف شاید مقداری به وفاق نزدیک‌تر باشیم. یعنی وزرای من کسانی نیستند که تنش و دوقطبی درست کنند و فضای سیاسی را برهم بزنند.»

فقدان ایده مرکزی منجر به سهم‌خواهی می‌شود

این کارشناس مسائل سیاسی اشاره کرد ادبیات «میاهدان جمعه و شبنه» که آقای فاضلی به کار برد و بعد هم پزشکیان به صراحت از سهم‌خواهی‌ها صحبت کرد، یکی از پدیده‌های این دور از انتخابات است. وی در این باره توضیح داد: «همیشه این موضوع وجود داشته اما این دوره بیشتر شده. به نظر من دلیلش این است که شاید پزشکیان فکر نمی‌کرد راهش تاریخست جمهوری اینقدر کوتاه است. طبیعتا ضعف احزاب در کشور و... مساله‌ای جدی است که



رئیس‌جمهور را که می‌تواند در حل بحران‌های اجتماعی و اقتصادی کشور کارگشا باشد، هدر می‌دهد. لذا جناح رادیکال اصلاح‌طلبان که با اظهارات سهم‌خواهانه درمورد آینده کشور و دولت ابراز نگرانی می‌کنند بیش از همه خودشان در مسیر تضعیف کشور و نابودی امید جامعه تلاش می‌کنند.

■ شورای انتقالی را با شابلون همدلی تطبیق دهید

رئیس‌جمهور با تشکیل شورای راهبردی انتقال قدرت اگرچه وجهه‌ای شبه دموکراتیک و تخصص‌گرا از تعیین کابینه ساخته است اما عدم نظارت بر این اختیار تقویض شده باعث می‌شود فرآیند این شورا اساسا به ضد خود تبدیل شده و دیکتاتوری و سهم‌خواهی جایگزین شایسته سالاری شود. اگرچه این شوران طور که محمد جواد ظریف رئیس آن اعلام کرده است صرفا بازوی مشورتی رئیس‌جمهور محسوب می‌شود اما به‌هرحال تشکیل آن توقعی در افکار عمومی ایجاد کرده که در نهایت کابینه بر مبنای تصمیمات آن انتخاب شده و شایسته سالاری نیز مبنای انتخاب‌ها باشد. رئیس‌جمهور اگر بخواهد خارج از قواعدی که در شورای راهبردی تعیین شده عمل کند باید به مطالبه‌ای که در افکار عمومی نیز به‌وجود آمده توجه داشته و برای تصمیماتی که برخلاف نظر شورا می‌گیرد، توجیه داشته باشد. عدم انقاع افکار عمومی این ابهام را به وجود می‌آورد با رئیس‌جمهور تحت تاثیر سایرین تصمیم‌گرفته یا خروجی شورا ضعیف و ضد همدلی بوده و قابل دفاع نبوده است. تشریح تصمیمات اتخاذشده و دفاع عمومی نیز به‌وجود آمده توجه داشته و برای می‌شود شائبه تصمیم‌گیری تحت تاثیر فشار افراد گروه‌های سیاسی برطرف شده و استقلال نظر رئیس‌جمهور به تصویر کشیده شود.

وفاق یعنی وزرا کسانی نباشند که دوقطبی درست کنند

سعید آجرلو کارشناس سیاسی: دولت حسن روحانی هم به معنای دولت اصولگرا از جانب اصولگرایان پذیرفته نشد

سعی کردند در شورای راهبردی تا حدودی آن را حل کنند اما همه ما می‌دانیم که این برای یک ماه و دوماه نیست و بلیندمت است. اما مساله‌ای که وجود دارد این است که هنوز ما با ایده مرکزی پزشکیان مواجه نیستیم. ایده مرکزی خاتمی که از گفتمانش هم منشأ گرفته بود، آزادی و دموکراسی بود. بنابر ایده مرکزی، خود سامان سیاسی و کارگزاران و پروژه‌هایش را شکل می‌داد. یعنی هیات‌دولتش به‌گونه‌ای بود که مثلا در فاصله سال‌های ۸۰ تا ۸۰ قرار بود احزاب م قوی کند و مطبوعات را آزاد کند. مثلا بورقانی شد معاون مطبوعاتی. یعنی کارگزارش با گفتمانش ربط داشت و پروژه به این بود مجوزهای زیادی به رسانه‌ها بدهیم. یعنی پروژه و کارگزار و گفتمان، کنار یکدیگر قرار گرفتند. بعد چشم‌اندازی هم درست شد که ما باید در حوزه آزادی‌ها به فلان کشور اروپایی برسیم.

اصل دولت هاشمی‌رفسنجانی «پروژه توسعه» بود. بعدا پروژه‌ها و کارگزاران بر این اساس انتخاب شدند. احمدی‌نژاد هم به نوعی همین‌گونه بود. مساله ایشان عدالت و بازتوزیع مجدد درآمد بود و پروژه مسکن مهر را درست کرد. برای آن کارگزاری مثل نیکوزاد را آورد. در دولت پزشکیان ما هنوز با ایده مرکزی رویه رو نشدیم و من هنوز نمی‌بینم از مجموع صحبت‌هایی که اعضای نزدیک به پزشکیان و شورای راهبردی می‌کنند، مساله اصلی آنها و سوالات اصلی شان چیست؟ قرار است چه‌کار کنند؟ در این چهار سال می‌خواهند ما را به کجا برسانند؟ وقتی هنوز با این مواجه نشده‌ایم، پس یا کارگزار و پروژه و چشم‌انداز مواجه نمی‌شویم و طبیعتا سهم‌خواهی به وجود می‌آید. مثلا در وزارت خارجه تکلیف پزشکیان مشخص است و می‌خواهد برجام را احیا کند. پس آنجا وقتی پروژه احیای برجام مطرح است طبیعتا اولین گزینه‌ای که در دست آنهاست، عراقچی است. ولی در دیگر وزارتخانه‌ها به این شفافیت نمی‌دانیم قرار است چه کار کنند؟ در هر کدام از این دستگاه‌ها سلیقه‌ها و برنامه‌ها و پروژه‌های مختلفی وجود دارد. مثلا سازمان برنامه‌ای که انقباضی نگاه کند با سازمان برنامه‌ای که انبساطی نگاه کند با وزارت اقتصادی که مساله‌اش توسعه باشد با وزارت اقتصادی که مساله اصلی اش سیاست‌های رفاهی یا جبرانی باشد، دو چیز متفاوت است. به نظر می‌رسد چون ایده مرکزی به دلیل کوتاهی زمان مشخص نیست، مساله سهم‌خواهی شکل گرفته و اینها به یکدیگر مرتبط است. هرچقدر ایده مرکزی قوی‌تر بشود، مساله این طرف ضعیف می‌شود. پزشکیان خیلی رعایت خواهد کرد که دولت سوم روحانی نشود و با آن فاصله خواهد گذاشت و همه تلاشش را خواهد کرد. حالا ممکن است در لایهی‌ها و ژنال و واقعیت سیاست توفیق پیدا نکند اما همین انتصاب عارف نشان می‌دهد ایشان تاکید دارد که دولت روحانی و حتی لاریجانی نشود. چون این دعوای قدیمی بین اعتدالیون و نیروهای سوم و اصلاح‌طلبان که در ۹۲ شکل گرفت تمام نشده و در شکل جدید بازتولید شده اما هنوز یک موضوع جدی در سطح نیروی انسانی است.»



علی ملکی خبرنگار گروه نقد روز

مسعود پزشکیان در روزهای انتخابات چندین بار موضوع اتحاد و وفاق ملی را مطرح کرد و آن را به‌عنوان یکی از راهبردهای تعامل با چالش‌های کشور دانست. این مساله در سخنرانی او در مراسم تنفیذ و اولین جلسه هیات دولت هم تکرار شد. سعید آجرلو، کارشناس مسائل سیاسی معتقد است موانعی بر سر راه رئیس‌جمهور دولت چهاردهم در راه رسیدن به دولت وفاق وجود دارد. در ادامه شرح این موانع و متن کامل گفت‌وگوی «فرهیختگان» با این کارشناس مسائل سیاسی را می‌خوانید.

آجرلو: دولتی وفاق دارد که جناح‌ها آن را بپذیرند

سعید آجرلو، کارشناس مسائل سیاسی با بیان اینکه موضوع وفاق ملی تقریبا به واسطه دهه ۸۰ مربوط می‌شود، گفت: «بعد از اینکه احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور شد فکر می‌کنم گفت‌وگویی در مجله شهروند بین عباس عبدی و سعید حجازیان انجام شد. آنجا حجازیان گفت ما باید ناطق نوری را گزینه انتخابات ۸۸ کنیم و دنبال مدل دولت وحدت‌ی‌آشتی ملی و از این جور اصطلاحات بود. هم‌زمان یا حالا موزی با همین حرف‌هایی که اصلاح‌طلبانی مثل سعید حجازیان می‌زدند، هم هاشمی این موضوع را به صراحت مطرح کرد و به ناطق دنبال کرد. بعد مشخص شد این جمع بندی مباحث آن مجمع اصطلاحا عقابلی بوده که در مجمع تشخیص برگزار می‌شده و می‌گفتند ما باید برویم یک دولت وحدت یا آشتی ملی درست کنیم که در آن همه نیروهای معتدل دو طرف باشند و این رادیکالست به ما ضربه می‌زند. این بحث سابقه‌ای در آنجا دارد. در سال ۸۸ این اتفاق عملا رخ نداد. یعنی اصلاح‌طلب‌ها، اول با آقای خاتمی و بعد با موسوی آمدند و این بخش از جریان راست مثل ناطق نوری به صورت نیابتی از موسوی حمایت کردند. مثلا اخوندی، رئیس ستاد اصولگرایان موسوی بود و اصل ایده این بود که موسوی صرفا برای یک جناح نیست. در ۸۸ جواب نداد اما در ۹۲ اساسا آوردن روحانی به صحنه ادامه همین تفکر بود که ما می‌توانیم یک ضلع سوم در سیاست درست کنیم که نه اصولگرا باشد و نه اصلاح‌طلب، بلکه میانه باشد. هاشمی‌رفسنجانی و ناطق نوری و روحانی و حتی لاریجانی خودشان با اینجا تعریف کردند، مخصوصا بعد از ماجرای قم و حمله‌ای که به لاریجانی کردند. بر این اساس این ایده تا حدودی شکل گرفت. در انتخاب کابینه هم مثلا در وزارت کشور، فردی مثل رحمانی فضلی را آوردند و در وزارت ارشاد ابتدا اجتنی و سپس دکتر صالحی را آوردند. درواقع کسانی که اصلاح‌طلب به معنای جناح چپ نبودند و برخی از پست‌ها در اختیار اصلاح‌طلبان بود ازجمله معاون اول. اما هیچ وقت جریان اصلی اصولگرا دولت حسن روحانی